

کجارو: استان سیستان و بلوچستان از آن دسته از استان‌های کشور است که مورد کم‌لطفی گردشگران و مسئولین گردشگری کشور قرار گرفته است، اما این منطقه از کنش‌ورمان دارای اماکن متعدد تاریخی و جاذبه‌های طبیعی فراوانی است که می‌تواند یکی از بهترین تجارب توریستی برای گردشگران را رقم بزند.

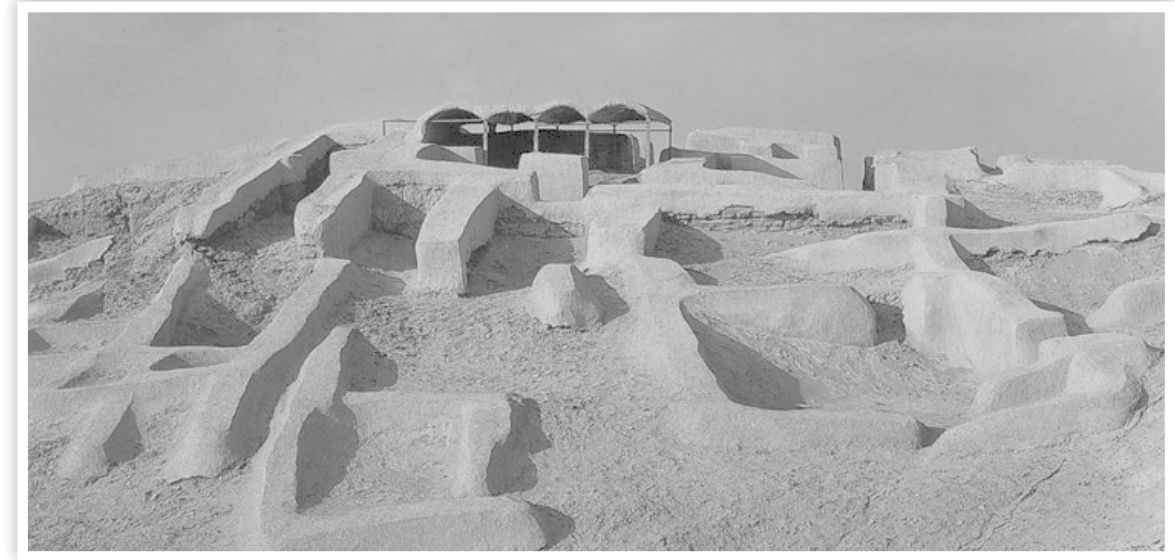
**شهر سوخته**

این شهر بزرگ، شناسنامه پرافتخار سیستان است. شهر سوخته بقایای شهری باستانی در ایران است که در ۵۶ کیلومتری زابل و در حاشیه جاده زابل-زاهدان واقع شده است. این شهر اولین و بزرگترین استقرار شهرنشینی در شرق فلات ایران است که با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، ابزار جنگ بسیار کمی در آن کشف شده و همواره در صلح و آرامش بوده است. گورستان شهر سوخته با ۲۵ هکتار وسعت و ۴۰۰۰۰ گور، به عنوان یکی از وسیع‌ترین گورستان‌های قبل از تاریخ، کمک زیادی به پژوهش در روند شکل‌گیری تمدن حاشیه هیرمند و نوع اعتقادات ساکنان آن کرده است. بر مبنای یافته‌های باستان‌شناسان، شهر سوخته ۱۵۱ هکتار وسعت دارد. بقایای به جا مانده نشان می‌دهد که این شهر از سه بخش اصلی و سه بخش فرعی تشکیل شده است. این بخش‌ها عبارتند از:

الف) منطقه بزرگ مرکزی که شامل بخش‌های مسکونی شرقی و مرکزی و بناهای یادمانی است؛ ب) منطقه صنعتی که در شمال غرب شهر قرار داشته است و ج) منطقه جنوبی شهر که قبرستان بوده است.

اشیاء سفالی تقریبا در همه گورها وجود دارد. در کنار این دسته از اشیاء، هدایای دیگری ساخته شده از سنگ، چوب، پارچه و انواع مهر (تعداد هجده عدد مهر استامبی و استوانه‌ای) در قبور دیده می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی، اشیاء پیدا شده در قبرهای شهر سوخته را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:
اشیاء زینتی
اشیاء آیینی
اشیاء مربوط به پیشه‌ها
اشیاء مورد استفاده در زندگی روزمره
مواد غذایی

یک نمونه شاخص و بی‌نظیر که از قبر شماره ۶۷۰۵ بدست آمده، چشمی مصنوعی است. مطالعات اولیه نشان داده است که این چشم، چشم چپ زن تومند مدفون در قبر بوده است. در همین مطالعات آثار آیسه زیر طاق ابروی زن مذکور دیده شده است. به علت زمان زیادی که بخش زیرین این چشم مصنوعی با پلک در تماس بوده است، آثار ارگانیکی پلک چشم نیز روی آن مشهود است. جنس مادهای که چشم مذکور با آن ساخته شده هنوز به دقت روشن نشده و تشخیص آن به آزمایش‌های بعدی موکول شده است، اما به نظر می‌رسد که این چشم از قیر طبیعی که با نوعی چربی جانوری مخلوط شده،



ساخته شده است. روی این چشم مصنوعی ریزترین مویرگ‌های داخل کره چشم توسط مقتول‌های حلائی به قطر کمتر از نیم میلی‌متر طراحی شده است، مردمک چشم در وسط طراحی شده و تعدادی خطوط موازی که تقریبا یک لوزی را تشکیل می‌دهند پیرامون مردمک دیده می‌شود. از دو سوراخ جانبی واقع در دو سوی این چشم مصنوعی برای نگهداری و اتصال آن به حذقه چشم استفاده می‌شده است. بررسی‌ها نشان داده که سن این زن به احتمال زیاد بین ۲۸ تا ۳۳ سال بوده است.

**دهانه غلامان**

دهانه غلامان در واقع بقایای شهری عظیم از روزگار هخامنشیان است. این شهر در حدود ۲ کیلومتری روستای قلعه نو شهرستان زهک و حدود ۴۴ کیلومتری شهر زابل قرار گرفته و از جهات گوناگون دارای اهمیت است. از یک سو تنها شهر خشت و گلی روزگار هخامنشیان است که بر خلاف سایر شهرهای این دوره نشانگر زندگی پادشاهان و کاخ‌های مربوط به آنها است، از سوی دیگر بدون برنامه‌ریزی رشد نکرده، بلکه احداث شهر با نقشه و برنامه‌ریزی مدون صورت گرفته است.

آئین مردم دهانه غلامان یکی از آئین‌های مشترک ایرانی-هندی منطقه بوده است که به خاطر تسامح مذهبی هخامنشیان توانسته به موجودیت خود در سیستان ادامه دهد. این شهر احتمالا همان زرنکای یاد شده در کتیبه‌های هخامنشیی و زرین مورخان یونانی است که از نظر محل با زرنج دوران اسلامی تفاوت دارد. شهر دهانه غلامان با همان سرعتی که به وجود آمده، از بین رفته است. عدم وجود هر گونه شی و خالی بودن محوطه‌های حفاری شده از بقایای سکونت، نشان‌دهنده تخلیه شهر با نظم و ترتیب بوده است و در نتیجه نمی‌توان عاملی خارجی چون جنگ و یا آتش‌سوزی را در تخلیه و ترک آن دخیل دانست.

**زاهدان کهنه**

بقایای شهر زاهدان کهنه در ۲۷ کیلومتری شرق زابل، ۷ کیلومتری شمال شهرستان زهک، در بخش مرکزی زهک و حدود ۹ کیلومتری شمال تپه شهرستان، بر روی بلندی واقع شده است. جی.پی.تیت-انگلیسی بر این

# راهنمای سفر به زاهدان



باور است که این خرابه‌ها مربوط به شهر زرنج (زرنگ یا زرنگ) است که

۴۲۰ سال پیش توسط تیمور لنگ و با توجه به ویرانی بندهای سیستان به این صورت در آمده است. هنری ساوچ لندور، جهانگرد باستان شناس و جغرافی‌دان انگلیسی که در سال ۱۹۰۱ به سیستان و بلوچستان سفر کرده است، شهر زاهدان کهنه را به لندن شرق تشبیه کرده است. در محل زاهدان کهنه و اطراف آن، مجموعه‌ای ازبناهای دوران اسلامی وجود دارد که یکی از این مجموعه‌ها در فاصله ۲۵۰ متری شمال شرقی ارگ زاهدان کهنه قرار دارد. از شهر زاهدان کهنه امروزه فقط برج و باروی آن و قلعه تیمور باقی مانده است. این شهر دارای سه قطعه آبادی بوده که شامل ارگ کهنذ، شارسستان و رضی است و گرداگرد هر کدام را حصاری به همراه برج‌های تدافعی، به شکل مستطیل، در بر گرفته است.

**کوه خواجه**

کوه خواجه یا (کوه رستم) تنها اثر طبیعی در دشت سیستان است که در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی شهر زابل قرار دارد. اوشیدا در زبان پارسی

این تپه‌ها در ده کیلومتری شمال شرق زابل و در مسیر جاده زابل به شهر هیرمند قرار دارد. در این مکان مجموعه‌ای از آثار دوران اسلامی وجود دارد که دامنه و گسترش این آن تا زیارتگاه بی‌بی دوست ادامه پیدا می‌کند. این آثار و باقی‌مانده‌های خرابه‌های موجود بدون شک متعلق به دوران اسلامی منطقه است و به شدت آسیب دیده و فرسوده شده است. برخی از آثار معماری به روشنی نشان دهنده وجود برج‌های دفاعی گوناگون است. وجود این برج‌های دفاعی می‌تواند به این معنا باشد که احتمالا در دوران اسلامی، از دوره صفاریان به بعد، منطقه مرتب مورد تمدی و تهاجم بوده است و اهالی برای دفاع از خود مجبور به ساخت برج و حصار بوده‌اند.

گفته می‌شود که در این منطقه سرعت وزش باد بیشتر از هر جای دیگر ایران است و همین سرعت وزش باد باعث تخریب شدید آثار موجود در اینجا شده است. سفال‌های بی‌بی دوست از نوع سفال لعاب‌دار دوران اسلامی است.

**گورستان اسپیدژ**

۸ بال کثیر الاضلاع شکل آسیاب را به حرکت در می‌آورد، ولی بقیه بال‌ها که در جهت وزش باد نیست، مانع حرکت دایره‌وار نمی‌شود. بال‌ها به شکل عمودی کار گذاشته شده است و سنگ روئین آسیا را روی سنگ زیرین به حرکت در می‌آورد. به علت شکل قیف مانند دهانه‌ی ورودی، باد به داخل هدایت شده و با سرعت و شدت به پره‌ها برخورد می‌کند.

**قلعه سام**

قلعه سام در ۴ کیلومتری سکوهه قرار دارد. شکل قلعه مستطیلی است. این مکان دارای دیوارهای پهن و بزرگ خشتی و گلی و همچنین دروازه و برج‌های متعدد است.

کلنل تیت انگلیسی و والترسویس آمریکایی از این قلعه بازدید کرده‌اند. به گفته کلنل تیت در سده‌ی نوزدهم، نهری از نزدیک این قلعه جاری و به طرف دهکده ورمال ادامه داشته است. بر اثر کاوش باستان شناسان، در طبقه زیرین این بنا نوشته‌های یونانی متعلق به دوران پارت‌ها کشف شده است. طبقه بالایی این بنا متعلق به دوران ساسانی است.

**قلعه ایرندگان**

این بنا در روستای ایرندگان و در ۶۵ کیلومتری شهر خاش واقع شده است. روستای ایرندگان و روستاهای پیرامون آن در امتداد رودخانه شکل گرفته است و طول آنها به ۵ کیلومتر می‌رسد. زمان ساخت این قلعه به دوره قاجاریه باز می‌گردد. تنها بر بدنه دیوارهای قلعه و دور درها، آثاری از تزئین از نوع نقش‌های کره چینی وجود دارد.

**قلعه سب**

قلعه سب سالم‌ترین قلعه‌ای است که از دوران اسلامی سیستان و بلوچستان، به جا مانده است. این قلعه در شهرستان سراوان، بخش سب و سوران و روستای سب قرار دارد. این قلعه که آئینه تمام نمای حاکمان صفویه و بعد از آنها است، از جمله ۲۷ بنای تاریخی استان است که هنوز پایرجا است. قلعه سب در اوایل قرن دوازدهم هجری مرکز حکمرانی حاکم محلی به نام «ملک دینارخان» بزرگ و فرزندان او بود که در مناطق اطراف «سیب و سوران» حکمرانی می‌کردند. آخرین حکمران «قلعه سب» غلام رسول خان بود که ۲ اتاق طبقه دوم قلعه را به ساختمان اضافه کرد. نام قلعه «سب» از نام روستای «سیب» (به معنای جایگاهی که در آن آب روان است) گرفته شده است. این واژه به طایفه‌های کهن در سراوان هم اطلاق می‌شود.

قلعه سب روی صفحه‌ای سنگی و صخره طبیعی کم ارتفاع با خشت و گل در قرن دوازدهم هجری قمری ساخته شد و در پایان قرن سیزدهم آخرین تغییرات اساسی در آن صورت گرفت. ساختمان قلعه مجموعه‌ای از حصار و بنای اصلی است که با ۲۳ متر ارتفاع در روستای «سب» ۲۵ کیلومتری جنوب غرب سراوان قرار دارد. قلعه سب را سیاسی‌ترین بخش از تاریخ شهرستان سراوان می‌دانند چون بر اساس متون تاریخی، اولین منطقه در شرق بلوچستان بوده که نیروهای ناصرالدین شاه در سال ۱۲۵۷ به آنجا رفتند تا تحرکات منطقه را زیر نظر بگیرند.

بنای اصلی قلعه در قاعده، به صورت مستطیل ۳۶ متر در ۲۵ متر، در ۲ طبقه ساخته شده است. به گونه‌ای که هرچه بر ارتفاع آن افزوده می‌شود، از حجم آن کم می‌شود و در ظاهر به شکل «مصطبه هرم» در می‌آید که موجب ایستایی بیشتر بنا و جلوگیری از رانش دیوارهای قطور و مرتفع آن می‌شود. معماران چیره‌دست محلی با بهره‌گیری از تجربه خود، برای احداث قلعه سب تخم گیاهی به نام «توتری» را با گل مخلوط می‌کردند و ملاطی چسبناک می‌ساختند که وقتی خشک شد، شدیدترین رگبارها و باران‌های فصلی بلوچستان نیز توانایی شستن آن را ندارد و به همین دلیل قلعه پایدار مانده است.

حصار قلعه سیب با ۳ متر ارتفاع، ۴۸ متر در ۷۴ متر به شکل مستطیل، دورتادور قلعه را فراگرفته است و به وسیله غلام‌گردهای (محلی ویژه نگهبانان و تیراندازی) داخل دیوار و ۴ برج چهارگوش در ۴ راس حصار از قلعه محافظت می‌کند. سازندگان قلعه همچنین با بهره‌گیری از تنه خرما و



شاخ و برگ آن و گاهی حصیرهایی از داز (نخل کوتاه وحشی)، سقف‌ها را می‌پوشاندند و روی آنها را با کاهگل پوشش می‌دادند. محل ورود به قلعه تنها از طریق پلکان جنوب شرقی امکان‌پذیر است و وارد شونده‌ها پس از عبور از در اصلی قلعه به وسیله معبری، به درگاهی در سمت میانی دیواره غربی و از آنجا به وسیله یک راهرو تونل به طول ۱۶٫۵ متر با شیب نسبتا تند به حیاط مرکزی می‌رسیدند. همچنین برای دسترسی ساکنان قلعه به آب شیرین، چاهی در دل صخره و حیاط مرکزی حفر شده است. سیب بنای تاریخی قلعه سب مهرماه ۱۳۷۵ به پیشنهاد این اداره به شماره ۱۷۱۵ در لیست آثار ملی کشور به ثبت رسید.

قلعه سب در مجموع ۱۰ اتاق کوچک و بزرگ دارد که در اطراف حیاط مرکزی جای گرفته است و برای دسترسی به فضاهای حاکم‌نشین و تابستانی، راه پله‌ای مخفی، کم عرض و با شیب زیاد وجود دارد. قلعه سب بعد از زمان صفویه به ویژه در عصر افشاریه محل سکونت حاکمین بوده است.

